

پاسخهای رفتاری تیزهوشان به محرکهای مبهم اجتماعی

رزاق صحبت زاده* دکتر جواد اژه‌ای**

چکیده:

پژوهش حاضر مطالعه‌ای از نوع همبستگی بوده که با هدف تعیین «ارتباط بین اسناد نیت، هدفهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی کودکان تیزهوش با پاسخهای رفتاری به محرکهای مبهم اجتماعی» انجام شده است و ویژگیهای کودکان پرخاشگر، کناره‌گیر و مسأله‌گشا برای پاسخ به مؤلفه‌های اهداف اجتماعی و ادراک خودکارآمدی بررسی گردید. نمونه مورد پژوهش، ۳۷۰ نفر از دانش‌آموزان پایه اول راهنمایی مدارس استعدادهای درخشان تهران بود. برای انجام پژوهش در مرحله اول تمام دانش‌آموزان پرسشنامه را تکمیل نمودند و آنگاه پس از تجزیه و تحلیل اولیه و استخراج نتایج، ۱۹۵ نفر از آنان برای پاسخگویی به مؤلفه‌های «اهداف اجتماعی» و «ادراک خودکارآمدی» مجدداً مورد آزمون قرار گرفتند. با استفاده از روشهای آماری تحلیل واریانس و آزمونهای تعقیبی مشخص شد که بین میانگین نمرات گروههای «پرخاشگر»، «کناره‌گیر» و «مسأله‌گشا» در پاسخ به مؤلفه‌های «هدفهای اجتماعی» و «ادراک خودکارآمدی» تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$) و می‌توان نتیجه گرفت که کودکان «پرخاشگر» بر اهداف ضد اجتماعی تأکید دارند، در حالیکه اهداف کودکان «کناره‌گیر» و «مسأله‌گشا» در پاسخ به محرکهای مبهم عمدتاً «اجتماع‌گرایانه» است.

کلید واژه‌ها: اسناد نیت، هدفهای اجتماعی، ادراک خودکارآمدی، محرکهای مبهم، کودکان تیزهوش.



مقدمه :

کنجکاوی و تفکر پیرامون افراد «سرآمد» و با «استعداد» سابقه طولانی دوهزار ساله دارد و احتمالاً به موقعی برمی‌گردد که برای اولین بار انسان علاقه‌مند شد بداند، چرا اشخاص با هم تفاوت دارند. در جوامع مختلف همیشه افرادی بوده‌اند که از خود توانایی‌ها و برجستگی‌های خاصی نمایان می‌ساختند که این امر موجب تحریک حس کنجکاوی دیگران می‌گردید، و سوءظن و یا ترغیب و تشویق آنها را در پی داشت. بوده‌اند اشخاصی که با استعداد فراوان و نبوغ فوق‌العاده خویش در طول زندگی توجه و تحسین همه را به خود جلب نموده و یا بدون توجه مردم، زندگی کرده و گهگاه پس از مرگشان به نبوغ آنها پی برده شده است (افروز، ۱۳۷۲).

از سوی دیگر یکی از مباحث مهم در «روانشناسی تحولی»، بررسی فرآیند «سازش اجتماعی کودکان» است. این بحث در روانشناسی شناختی و خصوصاً در مبحث «شناخت اجتماعی» مورد بررسی قرار گرفته است و یکی از نظریه‌های مؤثر در این زمینه نظریه «شناخت اجتماعی بندورا» است. «بندورا» (۱۹۸۲)، معتقد است: رفتار آدمی عمدتاً یک رفتار خود نظم داده شده است. «ادراک خودکارآمدی» فرد، نقش مهمی در فرآیند «خودنظم‌دهی» رفتار ایفا می‌کند. «خودکارآمدی» به باورهای شخص در ارتباط با توانائیش در انجام امور دلالت می‌کند. اشخاصی که «خودکارآمدی پایینی» دارند پشتکار بیشتری از خود نشان می‌دهند. بطور کلی به نظر «بندورا» انسان بصورتی پویا، پردازش‌کننده اطلاعات، حل‌کننده مسائل و بالاتر از همه ارگانیسمی اجتماعی توصیف شده است.

مطابق با الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی «داچ» (۱۹۸۶)، «اسنادهای نیت»^۱ نقش مهمی در ایجاد رفتار بازی می‌کنند. طبق این الگو کودکانی که دارای اسناد نیت خصومت هستند، بیشتر احتمال دارد نسبت به محرکهای مبهم، پاسخهای پرخاشگرانه داشته باشند، در حالیکه کودکان دارای اسناد عدم خصومت، بیشتر سازش یافته‌اند و پاسخهای پرخاشگرانه ندارند. براساس فرمول بندی جدید که توسط «کریک» و «داچ» (۱۹۹۴)، پیشنهاد شده، پاسخهای رفتاری کودکان به چگونگی پردازش نشانه‌های اجتماعی قبلی وابسته است. مراحل پردازش اطلاعات عبارتند از:

- (۱) «رمزگردانی»^۲ نشانه‌های درونی و بیرونی. (۲) «تفسیر نشانه‌ها»^۳. (۳) «انتخاب هدفها»^۴ (۴) «ارزیابی پاسخها»^۵. (۵) تصمیم‌گیری برای پاسخ. (۶) اجرای عمل.

در طی فرآیند پردازش، کودک پس از «رمزگردانی نشانه‌ها» و «تفسیر موقعیت اجتماعی»،

هدفهایی را مشخص می‌کند. این هدفها، دستیابی به پاسخ و عملکرد رفتاری کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابر این، بطور غیر مستقیم واکنش‌های همسالان را متأثر می‌سازد. همچنین کودک هنگام انتخاب یک پاسخ برای انجام عملی آن، ابتدا باید احساس کند که توانایی انجام موفقیت آمیز آنرا دارد. بنابر این، احساس خودکارآمدی کودک می‌تواند ملاکی برای ارزیابی پاسخهای رفتاری او باشد.

طبق نظر این مؤلفان هر چند ارائه رفتاری بطور منطقی تحت تأثیر محرکهای ویژه در هر مرحله است، اما فرایند پردازش اطلاعات در نهایت به صورت «چرخشی»^۷ است. هر مرحله از پردازش از طریق «حلقه‌های پس‌خوراند»^۸ بر مراحل بعدی تأثیر می‌گذارد.

در تحقیق «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶)، فرض شده است که پاسخهای رفتاری کودکان به محرکهای مبهم، تحت تأثیر اسناد نیت به رفتار همسال، هدفهای کودک در آن موقعیت و احساس خودکارآمدی او مورد توانائیش برای رسیدن به آن هدفها می‌باشد. بنابر این، «اسنادها»، «هدفها» و «ادراک خودکارآمدی» کودکان، مستقل از یکدیگر نمی‌باشد. در این مطالعه فرض بر این است که کودکانی که در پاسخهای رفتاری نسبت به محرکهای مبهم متفاوت هستند در ادراک خودکارآمدی نسبت به توانائیشان در انجام دادن هدفهای گوناگون نیز متفاوت هستند. به ویژه پیش‌بینی می‌شود کودکانی که پاسخهای «پرخاشگری» نشان می‌دهند، بیشتر از طریق ابراز پرخاشگری و تلافی کردن به حل مسائل فرضی پردازند و در پاسخ به محرکها کمتر عاطفی باشند. از طرف دیگر کودکانیکه پاسخهای «کناره‌گیری» به محرکها می‌دهند احتمال می‌رود که نسبت به گروههای دیگر اهداف اجتنابی را در مقابل تلافی کردن در پیش بگیرند. نهایتاً کودکانی که پاسخهای «حل مسأله» به محرکها می‌دهند، بیشتر انتظار می‌رود نسبت به گروههای دیگر در باره توانائیشان در حل مسأله ارتباط مثبت را در پیش گیرند.

لذا در این پژوهش فرضیات زیر مورد مطالعه قرار گرفتند:

۱) هدفهای اجتماعی «کودکان تیزهوش» اسناد دهنده «خصومت» (پرخاشگر، کناره‌گیر و مسأله‌گشا) با هم متفاوت است.

۲) هدفهای اجتماعی کودکان تیزهوش اسناد دهنده «عدم خصومت» (پرخاشگر، کناره‌گیر و مسأله‌گشا) با هم متفاوت است.

۳) «ادراک خودکارآمدی» کودکان تیزهوش اسناد دهنده «خصومت» (پرخاشگر، کناره‌گیر و

مسأله گشا) با هم متفاوت است.

۴) ادراک خودکارآمدی کودکان تیزهوش اسناد دهنده «عدم خصومت» (پرخاشگر، کناره گیر و مسأله گشا) با هم متفاوت است.

سهم عمده این تحقیق در مشخص کردن کودکانی است که بطور مداوم «اسناد خصومت» یا «اسناد عدم خصومت» داشته‌اند. در درون هر کدام از این دو گروه، سه زیرگروه از کودکان در پاسخ به محرکهای مبهم به صورت «پرخاشگر»، «مسأله گشا» و «کناره گیر» مشخص شدند.

روش :

□ طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بوده و نمونه مورد تحقیق کلیه دانش آموزان دختر و پسر کلاس اول راهنمایی (۳۷۰ نفر) «سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان» (فرزانگان، علامه حلی ۱، علامه حلی ۲) شهر تهران، شاغل به تحصیل در سال تحصیلی ۷۹-۱۳۷۸ می‌باشند.

□ ابزار مورد استفاده پژوهش، آزمون «اسناد نیت»، «هدفهای اجتماعی» و «ادراک خودکارآمدی» است، که توسط «اردلی» و «اشر» (۱۹۹۶)، تهیه شده است. این آزمون دارای شش داستان موقعیت مبهم، و مؤلفه‌های هدفهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی می‌باشد.

□ برای ارزیابی «روایی محتوی» مطابقت فرم فارسی آزمون با فرم انگلیسی آن توسط اساتید روانشناسی صورت گرفت. در تحقیق «اردلی» و «اشر» (۱۹۹۶) برای بررسی «اعتبار» آزمون از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد و مقدار این ضرایب، برای رفتارهای پرخاشگری، کناره گیری و مسأله گشایی به ترتیب برابر با ۹۰٪، ۵۸٪ و ۹۴٪ می‌باشد.

□ پس از انتخاب نمونه، جمع آوری داده‌ها طی دو مرحله به شرح ذیل انجام گرفت:

۱- در مرحله اول، تمامی دانش آموزان، شش داستان مبهم اجتماعی را دریافت کردند، آزمایشگر، هر داستان را با صدای بلند برای دانش آموزان قرائت کرد تا مطمئن شود که تمام آزمودنیها مواد خواندنی را درک کرده‌اند.

قبل از شش داستان اصلی، یک داستان تمرینی برای آشنا کردن کودکان با چارچوب داستانها و نحوه پاسخگویی به سؤالاها به صورت عملی ارائه گردید. تمام آزمودنیها پس از هر داستان به سؤالهای ۱ و ۲ مربوط به همان داستان پاسخ دادند. پس از اجرای این مرحله، آزمودنیها به

صورت زیر تقسیم‌بندی شدند:

الف- آزمودنیهایی که در پاسخ به سؤال ۱ (سؤال در مورد نیت همسال) گزینه «عمدی بوده و قصد آزار شما را داشته‌اند» را در چهار مورد یا بیشتر (۶۷٪ یا بیشتر) انتخاب کردند، به‌عنوان اسناددهنده «خصوصت» و کسانی که در دو مورد یا کمتر (۳۳٪ یا کمتر) این گزینه را انتخاب کردند، به‌عنوان اسناد دهنده «عدم خصوصت» انتخاب شدند. بقیه آزمودنیها حذف شدند.

ب- برای هر یک از دو گروه مذکور، سه زیرگروه «پرخاشگر»، «کناره‌گیر» و «مسأله‌گشا» مشخص شد. چنانچه قبلاً ذکر شد، آزمودنیها در پاسخ به سؤال ۲ باید رفتاری را از میان شش رفتار ذکر شده به‌عنوان رفتاری که «به احتمال زیاد» انجام می‌دهند، انتخاب کنند. بر این اساس انتخاب زیرگروهها به صورت زیر مشخص شد:

● گروه پرخاشگر شامل آزمودنیهایی بود که حداقل در ۵۰٪ موارد (حداقل سه داستان) پاسخ انتخابی آنها به‌عنوان پاسخی که «به احتمال زیاد» انجام می‌دهند، شامل پاسخ پرخاشگری (فیزیکی یا کلامی) باشد.

● گروه کناره‌گیر شامل آزمودنیهایی بود که حداقل در ۵۰٪ موارد (سه داستان) پاسخ انتخابی آنها به‌عنوان پاسخی که به «احتمال زیاد» انجام می‌دهند، شامل پاسخ کناره‌گیرانه (اجتناب یا عکس‌العمل منفی) باشد.

● گروه مسأله‌گشا شامل آزمودنیهایی بود که حداقل در ۵۰٪ موارد (سه داستان) پاسخ آنها به‌عنوان پاسخی که «به احتمال زیاد» انجام می‌دهند، شامل پاسخ مسأله‌گشایی (نوعی رفتار حل مسأله یا سؤال برای روشن شدن ابهام) باشد. به این ترتیب شش گروه آزمودنی از هم متمایز شدند.

۲- هر آزمودنی با توجه به گروهی که در آن قرار داشت، دو داستان از شش داستان مرحله قبل را دوباره مرور کرد و سپس در مورد هدف‌های اجتماعی و ارزیابی توانائیش در رسیدن به هدف‌ها در رابطه با آن موقعیت، به‌صورت انفرادی مورد مصاحبه قرار گرفت و به سؤالهای مربوط پاسخ داد.

برای مقایسه هدفهای اجتماعی و ارزیابی ادراک خودکار آمدی، دو گروه (اسناد دهنده خصوصت و اسناد دهنده عدم خصوصت) از تحلیل واریانس یکراهه استفاده شد. سپس برای بررسی معناداری تفاوت بین گروهها، از روش مقایسه‌های چندگانه توکی استفاده شد.

نتایج :

نتایج بدست آمده نشان می دهد که تفاوت گروههای سه گانه (پرخاشگر، مسأله گشا و کناره گیر) در «اسنادیت» و «ادراک خودکارآمدی»، معنادار می باشد، و گروهها دارای هدفها و ادراک خودکارآمدی متفاوتی هستند. میانگین و واریانس نمرات مربوط به ۹ مؤلفه «هدفهای اجتماعی» همراه با نتایج تحلیل واریانس یک طرفه در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱- نتایج تحلیل واریانس هدفهای اجتماعی کودکان اسناددهنده عدم خصومت

ردیف	هدفهای اجتماعی	میانگین	D.F	SS	MS	F
۱	تلافی کردن	بین گروه	۲	۲/۹۷	۲/۲۸	۳/۸۰
		درون گروه	۱۵۲	۹۹/۱۹	۰/۶۵	*
		کل	۱۵۴	۱۰۲/۱۶	—	
۲	عدم ایجاد درگیری	بین گروه	۲	۶/۶۹	۳/۳۴	۱/۸۸
		درون گروه	۱۵۲	۲۷۰/۵۰	۱/۷۷	
		کل	۱۵۴	۲۷۷/۲۰	—	
۳	دوری کردن از همسال	بین گروه	۲	۰/۰۷	۰/۰۰۳۵	۰/۰۰۲۵
		درون گروه	۱۵۲	۲۱۰/۳۴	۱/۳۸	
		کل	۱۵۴	۲۱۰/۳۴	—	
۴	ایجاد احساس ناخوشایند	بین گروه	۲	۱/۲۸	۰/۶۴	۰/۵۳
		درون گروه	۱۵۲	۱۸۳/۴۶	۱/۲۰	
		کل	۱۵۴	۱۸۴/۷۴	—	
۵	دفاع از خود	بین گروه	۲	۱۵/۵۲	۷/۷۶	۲/۴۹
		درون گروه	۱۵۲	۲۶۲/۴۴	۱/۷۲	*
		کل	۱۵۴	۲۷۷/۹۷	—	
۶	حل مشکل	بین گروه	۲	۲/۳۵	۱/۱۷	۱/۴۶
		درون گروه	۱۵۲	۱۲۱/۸۱	۰/۸۰	
		کل	۱۵۴	۱۲۴/۱۶	—	
۷	دوری کردن از خطر	بین گروه	۲	۲/۳۳	۱/۱۶	۰/۷۳
		درون گروه	۱۵۲	۲۴۰/۲۲	۱/۵۸	
		کل	۱۵۴	۲۴۲/۵۵	—	
۸	کنار آمدن با همسال	بین گروه	۲	۱۵/۴۸	۷/۷۴	۶/۰۶
		درون گروه	۱۵۲	۱۹۴/۱۴	۱/۲۷	*
		کل	۱۵۴	۲۰۹/۶۳	—	
۹	اثبات قدرت و توانمندی	بین گروه	۲	۱۷/۰۳	۸/۵۱	۲/۰۶
		درون گروه	۱۵۲	۳۱۸/۶۰	۲/۰۹	*
		کل	۱۵۴	۳۳۵/۶۳	—	

*p < ۰/۰۵

جدول ۲ - نتایج آزمون توکی هدفهای اجتماعی کودکان اسناددهنده خصوصیت

کتابه گیر n=۶	پرخاشگر n=۱۵	مسأله گشا n=۱۹	پاسخ دهنده ادراک خودکار آملدی
۲ B	۳/۰۶ AB	۱/۵۷ A	تلافی کردن
۲/۶۶	۳/۳۳	۳/۶۳	عدم ایجاد درگیری
۲/۱۶	۳	۲/۲۱	دوری کردن از همسال
۲/۱۶ B	۳/۶۰ AB	۱/۷۹ A	ایجاد احساس ناخوشایند
۳/۸۳	۳/۸۶	۳/۷۸	دفاع از خود
۴/۳۳	۳/۸۶	۴/۳۶	حل مشکل
۳/۳۳	۳/۶۶	۳/۷۳	دوری کردن از خطر
۳/۳۳ B	۲/۸۶ A	۲/۰۵ AB	کنار آمدن با همسال
۳/۸۳ B	۴/۲۶ AB	۲/۸۲ A	اثبات قدرت و توانمندی

* حروف یکسان، نشان دهنده تفاوت معنادار در سطح $p < 0.05$ می باشد.

جدول ۲ اطلاعاتی را درباره هدفهای اجتماعی کودکان دارای اسنادیت خصوصیت نشان می دهد. تحلیل واریانس یکراهه برای مقایسه سه گروه در هر یک از هدفها مورد استفاده قرار گرفته است. آزمون توکی تفاوت معنادار را در نتایج تحلیل واریانس یکراهه نشان می دهد. پاسخ دهنده های «پرخاشگر» رتبه بالایی را به هدفهایی همچون تلافی کردن، ایجاد احساس بد در دیگران، و اثبات قدرت و توانمندی می دهند. آنها رتبه پائینی را به هدفهایی همچون عدم ایجاد درگیری، حل مشکل و کنار آمدن با همسال می دهند. کودکان «مسأله گشا» و «کتابه گیر» در رتبه بندی هدفهای اجتماع گرایانه کاملاً مشابه بودند.

جدول ۳ - نتایج آزمون توکی هدفهای اجتماعی کودکان اسناددهنده عدم خصوصیت

کتابه گیر n=۵۳	پرخاشگر n=۱۰	مسأله گشا n=۹۱	پاسخ دهنده ادراک خودکار آملدی
۱/۴۵ B	۲/۱۰ AB	۱/۳۵ A	تلافی کردن
۲/۲۱	۳/۱۰	۳/۷۶	عدم ایجاد درگیری
۱/۹۰	۱/۹۰	۱/۸۹	دوری کردن از همسال
۱/۷۳	۲	۱/۶۳	ایجاد احساس ناخوشایند
۳/۰۵ B	۲/۴۰ AB	۳/۱۷ A	دفاع از خود
۴/۵۲	۴	۴/۳۳	حل مشکل
۳/۶۷	۳/۲۰	۳/۷۰	دوری کردن از خطر
۴/۴۹ B	۳/۲۰ AB	۴/۰۸ A	کنار آمدن با همسال
۲/۵۸ B	۴ AB	۲/۷۳ A	اثبات قدرت و توانمندی

* حروف یکسان، نشان دهنده تفاوت معنادار در سطح $p < 0.05$ می باشد.

جدول ۳ اطلاعاتی را دربارهٔ هدفهای اجتماعی، کودکان دارای «اسنادیت عدم خصومت» نشان می‌دهد. آزمون توکی تفاوت معنادار را در نتایج تحلیل واریانس یکراه نشان می‌دهد. پاسخ دهنده‌های «پرخاشگر» رتبهٔ بالایی را به هدفهایی همچون تلافی کردن، دفاع از خود، و اثبات قدرت و توانمندی می‌دهند. آنها رتبهٔ پائینی را به هدفهایی همچون «عدم ایجاد درگیری»، «حل مشکل»، «کنار آمدن با همسال» و «دوری کردن از خطر» می‌دهند. کودکان «مسأله‌گشا» به هدف «کنار آمدن با همسال» رتبه بالایی می‌دهند و همانند کودکان «کناره گیر» در رتبه بندی هدفهای اجتماع گرایانه کاملاً مشابه بودند.

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس خودکارآمدی کودکان اسناددهندهٔ خصومت

رتبه	هدفهای اجتماعی	میانگین	D.F	SS	MS	F
۱	تلافی کردن	بین گروه	۲	۱۱/۲۷	۵/۶۳	۳/۶۱
		درون گروه	۳۷	۵۷/۶۹	۱/۵۵	
		کل	۳۹	۶۸/۹۷	—	
۲	عدم ایجاد درگیری	بین گروه	۲	۰/۸۸	۰/۴۲	۰/۲۳
		درون گروه	۳۷	۷۰/۷۱	۱/۹۱	
		کل	۳۹	۷۱/۶۰	—	
۳	دوری کردن از همسال	بین گروه	۲	۳/۱۰	۱/۵۵	۰/۸۳
		درون گروه	۳۷	۶۸/۷۹	۱/۸۵	
		کل	۳۹	۷۱/۹۰	—	
۴	ایجاد احساس ناخوشایند	بین گروه	۲	۱۹/۹۳	۹/۹۶	۲/۳۹
		درون گروه	۳۷	۸۳/۸۳	۲/۲۶	
		کل	۳۹	۱۰۳/۷۷	—	
۵	دفاع از خود	بین گروه	۲	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱
		درون گروه	۳۷	۲۳/۵۶	۱/۱۷	
		کل	۳۹	۲۳/۶۰	—	
۶	حل مشکل	بین گروه	۲	۱/۱۷	۰/۸۵	۰/۷۲
		درون گروه	۳۷	۲۲/۶۸	۱/۱۵	
		کل	۳۹	۲۳/۴۰	—	
۷	دوری کردن از خطر	بین گروه	۲	۰/۸۰	۰/۴۰	۰/۲۸
		درون گروه	۳۷	۵۳/۰۹	۱/۲۳	
		کل	۳۹	۵۳/۹۰	—	
۸	کنار آمدن با همسال	بین گروه	۲	۱۱/۲۱	۵/۶۰	۳/۷۹
		درون گروه	۳۷	۵۲/۶۸	۱/۲۷	
		کل	۳۹	۶۵/۹۰	—	
۹	اثبات قدرت و توانمندی	بین گروه	۲	۱۵/۵۳	۷/۷۶	۶/۰۲
		درون گروه	۳۷	۲۷/۵۶	۱/۲۸	
		کل	۳۹	۴۳/۱۰	—	

* $p < .05$

○ برای مؤلفه «ادراک خودکارآمدی» هم از تحلیل واریانس برای هر یک از مؤلفه‌ها استفاده شده است. (جدول ۴)

جدول ۵ اطلاعاتی را دربارهٔ «ادراک خودکارآمدی» کودکان دارای «استادیت خصومت» نشان می‌دهد. آزمون توکی تفاوت معنادار را در نتایج تحلیل واریانس یکراه نشان می‌دهد. پاسخ دهنده‌های پرخاشگر رتبه بالایی را به هدفهایی همچون «تلافی کردن»، «ایجاد احساس بد در دیگران»، و «اثبات قدرت و توانمندی» می‌دهند. آنها رتبهٔ پائینی را به هدفهایی همچون عدم ایجاد درگیری، حل مشکل، کنار آمدن با همسال و دوری کردن از خطر می‌دهند. کودکان مسأله‌گشا به هدف کنار آمدن با همسال رتبه بالایی می‌دهند و همانند کودکان کناره‌گیر در رتبه بندی هدفهای اجتماع‌گرایانه کاملاً مشابه بودند.

جدول ۵ - نتایج آزمون توکی ادراک خودکارآمدی کودکان اسناد دهندهٔ خصومت

کناره‌گیر n=۶	پرخاشگر n=۱۵	مسأله‌گشا n=۱۹	پاسخ دهنده ادراک خودکارآمدی
۲/۳۳ B	* ۲/۵۳ AB	۳/۲۲ A	تلافی کردن
۲/۱۶	۳/۷۳	۳/۹۲	عدم ایجاد درگیری
۳/۶۶	۳/۷۳	۳/۱۵	دوری کردن از همسال
۴ B	۲/۱۳ AB	۲/۶۸ A	ایجاد احساس ناخوشایند
۲/۳۳	۴/۲۰	۴/۲۲	دفاع از خود
۴/۳۳	۳/۹۳	۴/۳۶	حل مشکل
۴/۱۶	۳/۸۶	۴/۱۵	دوری کردن از خطر
۲/۳۳ B	۳/۲۶ AB	۴/۳۶ A	کنار آمدن با همسال
۴ B	۴/۹۳ AB	۳/۵۷ A	اثبات قدرت و توانمندی

* حروف یکسان نشان دهندهٔ تفاوت معنادار در سطح $p < .05$ می‌باشد

جدول ۶ اطلاعاتی را دربارهٔ «ادراک خودکارآمدی» کودکان دارای «استادیت عدم خصومت» نشان می‌دهد. آزمون توکی تفاوت معنادار را در نتایج تحلیل واریانس یکراه نشان می‌دهد. پاسخ دهنده‌های پرخاشگر رتبهٔ بالایی را به هدفهایی همچون عدم ایجاد درگیری، حل مشکل، کنار آمدن با همسال و دوری کردن از خطر می‌دهند. کودکان «مسأله‌گشا» و «کودکان کناره‌گیر» در رتبه بندی هدفهای اجتماع‌گرایانه کاملاً مشابه بودند.

جدول ۶ - نتایج آزمون توکی ادراک خودکارآمدی کودکان اسناد دهنده عدم خصومت

کنار گیر $n=54$	پرخاشگر $n=10$	سازگرا $n=91$	پاسخ دهنده ادراک خودکارآمدی
۲/۹۲ B	۲/۹۰ AB	۲/۶۸ A	تلافی کردن
۲/۰۹	۲/۲۰	۲/۰۸	هدم ایجاد درگیری
۳/۰۱ B	۲/۱۰ AB	۲/۷۷ A	دوری کردن از همسال
۲/۶۲	۳/۶۰	۲/۵۲	ایجاد احساس ناخوشایند
۲/۶۰	۳/۸۸	۳/۹۲	دفاع از خود
۲/۲۹	۲/۵۰	۲/۵۰	حل مشکل
۲/۶۰	۲	۴/۳۱	دوری کردن از خطر
۲/۳۷	۲/۲۲	۲/۵۰	کنار آمدن با همسال
۳/۲۶	۳/۹۰	۳/۲۱	اثبات قدرت و توانمندی

حروف یکسان نشان دهنده تفاوت معنادار در سطح $p < 0.05$ می باشد.

بحث و نتیجه گیری:

هدف عمده این تحقیق، پاسخ به این سؤال بود که آیا بین «اسنادیت»، «هدفهای اجتماعی» و «ادراک خودکارآمدی» کودکان «تیزهوش» با پاسخهای رفتاری آنان به «محرک مبهم اجتماعی» ارتباط دارد؟

□ این مطالعه نشان می دهد کودکانی که دارای «اسنادیت خصومت» هستند، بیشتر احتمال دارد نسبت به محرکهای مبهم، پاسخهای پرخاشگرانه داشته باشند، در حالیکه کودکان دارای «اسنادیت عدم خصومت» بیشتر سازش یافته هستند و پاسخهای غیر پرخاشگرانه گزارش می کنند. نتیجه این پژوهش با یافته های «ناسی»، «هایدن» و «دپاتولو»، (۱۹۷۹)؛ «اشر» و «اردلی»، (۱۹۹۶)؛ «اشنبرگ» و «داج»، (۱۹۸۲)؛ «داج» و «باتز» و «پیت»، (۱۹۹۰) همخوانی دارد که طی تحقیقات مختلف دریافته اند رفتار «کودکان پرخاشگر» نسبت به همسالان با اسنادیت خصمانه آنها ارتباط دارد، «کودکان پرخاشگر»، اسنادیت خصمانه بیشتری نسبت به همسالان غیر پرخاشگر دارند و جهت گیری اسنادی خصمانه، مشکلات رفتاری پرخاشگری را بعداً نشان می دهد. این مطالعه و مطالعات قبلی نشان می دهد که علاوه بر اسنادها، متغیرهای شناختی - اجتماعی جانبی دیگری نیز بطور معنادار با تصمیم گیری کودکان در باره چگونگی پاسخ به محرکهای مبهم مرتبط هستند. این نتایج منطبق با یافته هایی است که می تواند از الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی «کریک» و «داج» (۱۹۹۴)، سرچشمه بگیرد.

□ سهم عمده این مطالعه این است که نشان می‌دهد تفاوت‌های کودکان در «هدفهای اجتماعی» و «اداک خودکارآمدی» به میزان زیادی با تفاوت‌های کودکان در پاسخهای رفتاری رابطه دارد. کودکانی که به محرکهای مبهم پرخاشگرانه واکنش نشان داده‌اند هدفهای اجتماعی خشونت‌بارتری را نسبت به پاسخ‌دهنده‌های «کناره‌گیر» و «مسأله‌گشا» گزارش کرده‌اند و بیشتر بر هدفهایی همچون «تلافی کردن»، «ایجاد احساس بد در دیگران»، «دفاع از خود»، و «اثبات قدرت توانمندی» تأکید دارند و ارزش بیشتری قائل هستند. در حالیکه کودکان «کناره‌گیر» و «مسأله‌گشا» بیشتر بر هدفهای اجتماع‌گرایانه تأکید دارند و این با یافته‌های «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶)؛ «رنشاو» و «اشر» (۱۹۸۳)؛ «اسبلی» و «گورا» (۱۹۸۸) همخوانی دارد.

□ پاسخ‌دهنده‌های «پرخاشگر» بیشتر تمرکز بر «تنبیه» داشته و از خود دفاع می‌کنند. آنها کمتر علاقه به «ارتباط با دیگران» را نشان می‌دهند. پاسخ‌دهنده‌های «پرخاشگر» خودشان را به عنوان افرادی کاملاً ماهر در به‌ثمر رساندن اهداف ضد اجتماعی ارزیابی کرده‌اند و این یافته‌ها منطبق با یافته‌های «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶) می‌باشد. برای مثال کودکان پرخاشگر خودشان را در تلافی کردن و ایجاد احساس بد در دیگران کاملاً موفق می‌دانند و بر عکس سایر گروه‌ها خودشان را در همگام شدن با همسالان در انجام کارها به‌صورت مسالمت‌آمیز ناتوانتر دانسته‌اند. این نتایج با نتایج به‌دست آمده توسط «پری» و همکاران (۱۹۸۶) مطابقت دارد که در مطالعه بر روی باورهای خودکارآمدی کودکان به این نتیجه رسیدند که کودکان پرخاشگر نسبت به توانائیهای ضد اجتماعی خودشان مطمئن‌تر بودند.

□ در این تحقیق محرکهای مبهم ممکن است ایجاد حالت برانگیختگی و خشم در پاسخ‌دهنده‌های پرخاشگر نماید. زیرا به نظر می‌رسد خشم، نقش کلیدی در برانگیختگی رفتاری پرخاشگری در پاسخ به محرکهای مبهم دارد و این با یافته‌های «گراهام»، «هودلی» و «ویلیامز» (۱۹۹۲) همخوانی دارد؛ که دریافتند پاسخ‌دهنده‌های پرخاشگر ممکن است فاقد اطمینان باشند که آنها قادر باشند به‌طور اجتماعی در موقعیت‌های تنیدگی‌زای بالا پاسخ دهند. پاسخ‌دهنده‌های پرخاشگر در تأیید هدفهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی با دیگر گروه‌ها متفاوت هستند. کودکان پرخاشگر اسناددهنده خصومت بیشتر به هدفهایی همچون «تلافی کردن»، «ایجاد احساس ناخوشایند» و «اثبات قدرت توانمندی» رتبه بالایی را می‌دهند و رتبه پائینی را به هدفهایی همچون «کنار آمدن با همسال» و «حل مشکل» می‌دهند. کودکان پرخاشگر اسناددهنده عدم خصومت بر

هدفهایی همچون «تلافی کردن»، «دفاع از خود»، «اثبات قدرت و توانمندی» و «ایجاد احساس بد در دیگران»، تأکید دارند. و این موارد نشان می‌دهند که کودکان پرخاشگر بیشتر از گروههای دیگر در زمینه‌های انجام رفتارهای پرخاشگرانه فیزیکی و کلامی در خود توانائی بالایی را احساس می‌کنند. این یافته نیز با یافته‌های «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶)، همخوانی دارد. همچنین این یافته‌ها نشان می‌دهند که خزانه پاسخهای رفتاری کودکان پرخاشگر محدود بوده و در بیشتر موقعیتهای اجتماعی بر روی پاسخهای پرخاشگرانه تأکید دارند. یافته‌ها ملاکهایی را در دسترس قرار می‌دهند که خزانه پاسخها برای کودکان پرخاشگر بیشتر سازش نایافته و قسمت عمده‌ای از محتوای اجتماعی آنها می‌باشد. بنابراین، پاسخهای قابل دسترس برای کودکان پرخاشگر، در مرحله انتخاب پاسخ، دارای پردازش اعمال پرخاشگری زیادی است.

□ نتایج مؤلفه‌های «خودکارآمدی» نشان می‌دهند که پاسخ‌دهنده‌های پرخاشگر و کنشهای پرخاشگرانه را تنها به دلیل احساس خودکارآمدی بالا انتخاب نمی‌کنند، بلکه آنها فکر می‌کنند که با موفقیت قادر به انجام این کارها هستند، زیرا آنها باور دارند که وقتی با محرک مبهم روبرو می‌شوند برای انجام اعمال پرخاشگرانه برانگیخته می‌شوند و کمتر قادر به انجام اعمال اجتماع گرایانه هستند. کودکان پرخاشگر گزارش می‌کنند که کارآمدی پائینی نسبت به همسالان برای پاسخهایی دارند که نیاز به کناره‌گیری از موقعیت مبهم می‌باشد. این نتایج به دست آمده با تحقیق «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶)؛ «کریک» و «داچ» (۱۹۸۹) همخوانی دارد، و این یافته‌ها از این فرضیه حمایت می‌کنند که کودکان پرخاشگر، اعمال پرخاشگری را به عنوان یک راه حل ارزیابی می‌کنند.

جالب اینکه پاسخ‌دهنده‌های پرخاشگر همچنین گزارش کرده‌اند که برای آنها دوری کردن از همسال مشکل خواهد بود. این نتیجه نیز با یافته‌های «پری» و همکاران (۱۹۸۶) همخوانی دارد که در آن کودکان پرخاشگر در بازداری از انجام پرخاشگری مشکل داشتند.

به نظر می‌رسد که در مواجهه با محرک خاصی که در رفتار همسال دیده می‌شود، کودکان پرخاشگر به سختی می‌توانند از مواجه شدن اجتناب ورزند و آنها اصرار در تعقیب و دنبال کردن همسال را دارند، که نسبت به انگیزه اجتماع‌گرایانه بیشتر خصومت آمیز می‌باشد.

□ در مقایسه با تحقیق انجام شده در سبزوار توسط «شکوری فر» (۱۳۷۷) و تحقیق «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶)، درصد کودکان پرخاشگر در تحقیق سبزوار ۲/۵٪، در تحقیق امریکا ۲۶/۴٪ و

در این پژوهش ۱۲/۸٪ می‌باشد. یکی از علل تکرار پژوهش بر روی گروهی دیگر از دانش‌آموزان ایرانی (تیزهوش) نتایج کاملاً متفاوت «شکوری فر» (۱۳۷۷) با نتایج «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶) بود [۲/۵ درصد پرخاشگر در سبزوار و ۲۶/۴ درصد در امریکا]. البته از آنجا که تحقیق «سبزوار» و «امریکا» بر روی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی صورت گرفته بود و مدارس تیزهوشان از پایه اول راهنمایی دانش‌آموز داشت، لذا نمونه‌گیری و اجرای آزمون در اولین ماه آغاز سال تحصیلی صورت گرفت تا مسأله تفاوت «سن» نقش تعیین‌کننده‌ای در نتایج نداشته باشد. با عنایت به این نکته که دانش‌آموزان مراکز تیزهوشان تکرار پایه تحصیلی نداشته و حتی در مواردی - به علت جهش در ابتدایی - از سن کمتری هم برخوردار بودند.

علت نتایج کاملاً متفاوت در این سه تحقیق به‌خصوص در «سبزوار» را می‌توان بافت ساده و نزدیک به روستا در این شهر دانست که نسبت به نتایج امریکا حدود یک دهم است. در این تحقیق با توجه به نوع آزمودنی (دانش‌آموزان تیزهوش) و محیط پیچیده شهری در تهران درصد کودکان پرخاشگر تقریباً نصف میزان به‌دست آمده در امریکا می‌باشد، که نزدیک بودن فضای روانی شهر تهران را با جامعه‌های پیچیده نشان می‌دهد. البته در اینجا هم تعداد کودکان پرخاشگر عملاً نصف جامعه مورد بررسی در امریکا است. از نظر سنی هم جامعه مورد بررسی مشابه نمونه سبزوار و امریکا است.

□ در مقابل کودکانی که در پاسخ‌هایشان غیرپرخاشگر بودند، باورها و انگیزه‌های متفاوتی داشتند. هدفهای کودکان «کناره‌گیر» و «مسأله‌گشا» عمدتاً «اجتماع‌گرایانه» است. این کودکان هدف‌هایی همچون «کنار آمدن با همسال»، «مسأله‌گشایی»، «دوری کردن از خطر» را تأیید می‌نمایند. در حالیکه پاسخ‌دهنده‌های «کناره‌گیر» هدف «دوری کردن از خطر» را نسبت به پاسخ‌دهنده‌های «مسأله‌گشا» و «پرخاشگر» به‌طور معناداری با ارزش بالایی رتبه‌بندی می‌کنند. بنابراین، پاسخ‌دهنده‌های «کناره‌گیر» خودشان را از دیگر گروه‌ها با تمرکز بر اهداف اجتماعی اجتنابی تمایز می‌دهند، علیرغم اینکه هدفهای دیگر را نیز قبول دارند. این نتایج نیز با یافته‌های «پری» و همکاران (۱۹۸۶)، و «اردلی» و «اشر» (۱۹۹۶) همخوانی دارد.

□ هدفهای کودکان «کناره‌گیر» در گروه اسناددهنده خصومت شامل «عدم ایجاد درگیری»، «دفاع از خود»، «حل مشکل»، «دوری کردن از خطر» و «کنار آمدن با همسال» می‌باشد و در گروه اسناددهنده عدم خصومت «عدم ایجاد درگیری»، «حل مشکل»، «دور کردن از خطر» و «کنار آمدن با

همسال، می‌باشد. نتایج این بخش نیز با یافته‌های «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶) منطبق است.

□ پاسخ دهنده‌های «مسأله گشا» و «کناره گیر» معتقدند که به میزان بالایی در انجام دادن و رسیدن به اهداف اجتماع گرایانه در صورت تلاش، توانایی داشته و موفق خواهند بود، در عوض پاسخ دهنده‌های «پرخاشگر» کمتر مطمئن هستند که توانایی انجام اهداف اجتماع گرایانه را داشته باشند و بیشتر مطمئن در انجام اهداف ضد اجتماعی مانند تلافی کردن و ایجاد احساس بد در دیگران هستند.

□ نکته جالب توجه این است که پاسخ دهنده‌های «کناره گیر» در اهداف و ادراکهای خود کارآمدی، مشابه گروه «مسأله گشا» بودند و این نتیجه با یافته‌های «اشر» و «اردلی» (۱۹۹۶) همسانی دارد. پاسخ دهنده‌های «کناره گیر» مانند کودکان «مسأله گشا» در گرایش اجتماعی کاملاً «اجتماع گرایانه» بودند و تمایل به قبول اهداف ارتباطی - گرایشی داشته و آنها گزارش کرده‌اند که در صورت تلاش، کاملاً قادر به انجام اهداف هستند. اگر چه آنها بر هدف دوری کردن از خطر بیشتر متمرکز هستند، نتایج بیانگر این امر است که اهداف «اجتنبایی» با پاسخهای رفتاری «کناره گیری» مرتبط هستند و ممکن است کودکان کناره گیر از روبرو شدن با همسال با قدرت تمام اجتناب ورزند تا اینکه علاقه به نگهداری ارتباط مثبت با همسال داشته باشند.

□ گروه «مسأله گشا» در هر دو گروه «اسناددهنده خصومت» و «عدم خصومت» عمدتاً دارای هدفهای اجتماع گرایانه» بودند و بیشتر توانائیشان را نیز در راه رسیدن به اهداف اجتماع گرایانه مثبت ارزیابی می‌کنند. در گروه اسناددهنده خصومت آزمودنیهای مسأله گشا بیشتر بر اهدافی همچون «کنار آمدن با همسال»، «عدم ایجاد درگیری»، «حل مشکل» و «دفاع از خود» تأکید داشته و آن را مثبت ارزیابی می‌کنند و در گروه اسناددهنده عدم خصومت نیز اهدافی همچون «حل مشکل»، «دوری کردن از خطر» و «کنار آمدن با همسال» را مثبت ارزیابی کرده و بر آنها تأکید داشته‌اند. بنابراین، این گروه عمدتاً اهداف اجتماع گرایانه دارند و «خودکارآمدی» و توانایی این گروه از کودکان نیز بیشتر درباره اهداف اجتماعی است نه ضد اجتماعی. شاید بتوان گفت که این گروه به علت داشتن اعتماد به نفس بالا و تعمق و تفکر درباره مسائل مختلف اجتماعی (حتی مواردی که به صورت مبهم ارائه می‌شود) و همچنین توانایی بالای تعبیر و تفسیر نشانه‌های اجتماعی که در بروز و نشان دادن رفتارها، اجتماع گرایانه موفق تر هستند. در حالیکه کودکان پرخاشگر چنین نبوده و عمدتاً بر اهداف ضد اجتماعی تأکید داشته و احساس کارآمدی بالایی

نیز در انجام این اهداف در خود احساس می‌کنند.

□ مسأله دیگر اینکه، کودکان بر اساس اینکه در چه گروهی قرار می‌گیرند متناسب با ویژگیهای آن گروه بر انجام اهداف تأکید داشته و آن اهداف را انجام می‌دهند. کودکان در عین حال نه توانایی انجام تمام اهداف را دارند و نه خودشان را عاجز در انجام هر هدفی می‌دانند. بلکه شاید بتوان گفت که «فرهنگی» که کودک در آن بزرگ شده، «خانواده‌ای» که کودک تحت تأثیر آن است و «نظام ارزشی» که کودک به آن عقیده دارد و به آن اهمیت می‌دهد در گزینش «اهداف» و «عمل» به آن تأثیر به‌سزایی داشته باشد.

● نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که «هدفهای اجتماعی» و «ادراک خودکارآمدی» کودکان، عواملی هستند که به‌صورت مشخص تفاوت آنها را در انتخاب پاسخهای رفتاری به محرکهای مبهم، روشن می‌کند. همچنین نتایج این پژوهش ارتباط بین سبک‌های رفتاری کودکان و باورها و انگیزه‌های آنها را نشان می‌دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فصل پنجم: اوم انسانی

یادداشت‌ها:

- | | |
|-----------------------------|----------------------------------|
| 1- Self efficacy perception | 2- Intent attribution |
| 3- Encoding | 4- Interpretation of assess cuse |
| 5- Selection of goals | 6- Response assess |
| 7- Cyclical | 8- Feedback loops |
| 9- Validity | 10- Reliability |

منابع:

- افروز، غلامعلی. (۱۳۷۲). مقدمه‌ای بر روانشناسی کودکان استثنائی. انتشارات دانشگاه تهران.
- شکوری‌فر، معصومه. (۱۳۷۷). بررسی ارتباط بین اسنادیت، هدفهای اجتماعی و ادراک خودکارآمدی در کودکان مدارس عادی سبزوار. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- کاظمی حقیقی، ناصرالدین. (۱۳۷۱). کلیاتی از روانشناسی تیزهوشان. مجله استعدادهای درخشان، سال اول.

Bandura, A. (1977). Social learning theory. Englewiid Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Crick, N. R. & Dodge, K. A. (1992). Social-information-processing mechanisms in reactive and proactive aggression. Psychology Bulletin, 92, 95-111.

Crick, N. R. & Dodge, D. A. (1994). A review and reformulation of social information processing mechanisms in children's social adjustment. Psychology Bulletin, 115, 74-101.

- Dodge, K. A. (1986). Social information processing model of social competence in children. Minnesota symposium on child psychology, 18, 77-125.*
- Dodge, K. A. , Bates, J. E. & Pettit, G. S. (1990). Mechanism in the cycle of violence. Science, 250.*
- Erdley, C. A. & Asher, S. R. (1996). Children's social goals and self-efficacy perception as influences on their responses to ambiguous provocation. Child Development, Vol. 67(4), 1329-1344.*
- Graham, S. , Hudley, C. & Williams, E. (1992). Attributional and emotional determinants of aggression among young adolescence. Developmental Psychology, 28.*
- Nasby, W. , Hayden, B. & De Paulo, B. M. (1979). Attributional bias among aggressive boys to interpret unambiguous social stimuli as displays of hostility. Journal of Abnormal Psychology, 89.*
- Perry, D. G. , Perry, L. C. & Rasmussen, P. (1986). Cognitive social learning mediators of aggression. Child Development, 59.*
- Renshaw, P. D. & Asher, S. R. (1983). Children's goals and strategies for social interaction. Merrill-Palmer Quarterly, 29.*
- Slaby, R. G. & Guerra, N. G. (1988). Cognitive mediators of aggression in adolescent offenders. Developmental Psychology, 24.*
- Steinberg, M. D. & Dodge, K. A. (1983). Attributional bias in aggressive adolescent boys and girls. Journal of Social and Clinical Psychology, 1.*